

سوره‌های

و پیامدهای آن

خلیل الرحمن خباب

سرزنش و پیامدهای آن

خادم الاسلام
خلیل الرحمن خباب

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عنوان : سرزنش و پیامدهای آن

نویسنده : خلیل الرحمن خباب

تاریخ انتشار : تابستان ۱۴۰۱

ایجاد هر نوع تغییر بدون اجازه نویسنده،
مجاز نمی باشد و خیانت محسوب می گردد!

ارتباط با نویسنده:

وبلاگ: khademulislam.blog.ir

تلگرام: [@Khademulislam](https://t.me/Khademulislam)

واتساپ و ایمو: [+93702837300](https://wa.me/93702837300)



لینک های مفید اسلامی:

وبسایت سنت دانلود: <http://www.SunnatDL.com>

تلگرام مرکز هدایت؛ رد اسلام ستیزان: [@Hedayat1442](https://t.me/Hedayat1442)

تلگرام کتابخانه اقرار: [@iqraaLib](https://t.me/iqraaLib)

تلگرام دارالافتاء مجازی اهل سنت: [@Canale_pasokh](https://t.me/Canale_pasokh)

پسری وارد خانه شد که از دهانش بوی سیگار می آمد.

پدرش به محض اینکه متوجه شد، گفت:

ای بدبخت! این چه کاری است که کردی؟

معتاد شدی؟ آبروی ما را بردی؟

در میان خانواده مان انسان بدی نبود، تو نمی دانم این رگ بی غیرتی

را از کجا آوردی؟

خاک بر سرت!

خجالت می کشم که تو پسر هستی.

پسر بیچاره سرش را پایین انداخت و به اتاقش رفت.

شب وقت غذا فرا رسید، همه آمدند؛ اما پدر حاضر نشد و گفت:

من از بوی سیگار نفرت دارم و تا وقتی که این معتاد کنار سفره

باشد، نمی آیم؛ غذایم را همین جا بیاورید.

وقت خواب فرا رسید، پدر شروع کرد: امشب در این دودخانه

چطور بخوابم؟!

خداوند خودش به حال مان رحم کند؛ چه به سرمان خواهد آمد.

رزق و روزی مان خشک خواهد شد.

خدا از اولاد بد نجات دهد و...

فردا وقت صبحانه همه دور هم جمع شدند؛ پدر وقتی وارد اتاق شد، گفت: اینکه هنوز این جاست و پیش دوستان عزیزش نرفته است. خیلی بد شد؛ دوستان مهربان و هم‌نشینان عزیزشان منتظرند تا با هم دود کنند.

این را گفت و به اتاق خودش رفت.

پسر بیچاره که دیگر توان ماندن در خانه را نداشت، بدون اینکه چیزی بخورد از جا بلند شد و از خانه بیرون رفت.

وقتی از خانه بیرون شد، در پیچ‌وخم‌های کوچه صدای پرمهر کسی به گوشش رسید: فلانی جان!

جان‌گفتنی که باید در خانه از دهان پدر و مادرش می‌شنید را داخل کوچه به دست آورد.

با خوشحالی زیاد به سمت راست چشم انداخت؛ دید که دوستش است.

با سرعت دوید و او را در آغوش گرفت و رفتند و با هم گفتند و خندیدند.

وقت ظهر فرا رسید، او به خانه برگشت.

همین که وارد خانه شد و چشم پدرش به او افتاد، رو به مادرش کرد و گفت: وقت غذای ظهر شده و آقای دودی تشریف آوردند.

پدر این را گفت و وارد اتاق شد و پسر از دروازه خانه دوباره بیرون شد و پیش دوستانش رفت.

چندروز پی‌درپی نبود و با دوستانش که برایش کلی محبت می‌ورزیدند، وقت سپری می‌کرد؛ نه زخم‌زبان و سرزنشی بود و نه تلخ‌گویی و کنایه‌گویی‌ای.

کم‌کم سیگار بزن و دود کن و پس از چندروزی تریاک و پس از چندماهی چرس و... تا اینکه سرانجام رهسپار یکی از پُل‌های شهر می‌شود و با دنیایی از دود و نشه و بدبختی سرگردان می‌گردد.

پدر با سرزنشی که قصد اصلاحش را داشت، او را به دام دوستان ناباب گرفتار کرد و دوستان ناباب با زبان شیرین و با محبت بسیار، او را در چاله‌های بدبختی کشاندند.

من این داستان دردناک را از کسی نشنیدم؛ اما بارها و به کرات با چشمانم دیدم.

دیدم که یک پدر با تحقیر و سرزنش فرزندش، چگونه او را بدبخت می‌کند و زندگی را به کامش تلخ می‌گرداند.

دیدم که یک مربی زیردستانش را و یک استاد شاگردانش را چگونه با سرزنش و توبیخ بیش از حد، فراری می‌دهد و از همه چیز و همه کس متنفرش می‌سازد.

دیدم که یک دعوتگر چگونه گنه کاران را از خود می‌راند و آن‌ها را روانه چاله‌های بدبختی می‌کند.

انسان‌ها به جز انبیا علیهم‌السلام، معصوم نیستند و بر مبنای سرشت انسانی‌شان دچار لغزش، خطا و گناه می‌شوند و در آن موقعیت،

سخت نیازمند کسی هستند که دست‌شان را بگیرد، کمک‌شان کند و راه درست را نشان دهد.

نمی‌گوییم که از گنه‌کاران و خطاکاران حمایت کنیم و پشتیبان کارهای زشت آنان باشیم؛ بلکه باید دست‌شان را بگیریم و با نرمی و محبت آن‌ها را به راه درست راهنمایی کنیم و از هم‌نشینی با دوستان ناباب بازداریم.

سرزنش و توبیخ و تحقیر، جز انزجار و تنفر چیزی به بار نمی‌آورد و باعث می‌شود که انسان گنه‌کار از همه‌چیز دست بکشد و راه بُن‌بست را در پیش گیرد و در باتلاق گمراهی و بدبختی غوطه‌ور شود.

یکی از خصلت‌های خوب و زیبای رسول‌الله ﷺ این بود که دست خطاکاران را می‌گرفتند و با نرمی و لطافت آن‌ها را به راه مستقیم راهنمایی می‌کردند. نه تنها خودشان سرزنش و توبیخ نمی‌کردند؛ بلکه دیگران را هم از این کار بازمی‌داشتند.

این برخورد کریمان و بزرگوارانه آن حضرت ﷺ بود که ایشان را محبوب دل‌ها نمود و در دل مردم جامعه آن زمان، اعتماد صددرصدی به وجود آورد. چنان اعتمادی که یک زناکار، بدون آنکه ترس و واهمه‌ای داشته باشد و نگران چیزی باشد، نزد آن حضرت ﷺ می‌آید و با اطمینان کامل می‌گوید:

«يَا رَسُولَ اللَّهِ طَهَّرْنِي!».

«ای رسول خدا! (من زنا کردم و به گناه آلوده شدم) مرا پاک کنید.»

[صحیح مسلم: ۴۵۲۷]

او می‌داند که در دادگاه محمد رسول الله ﷺ هیچ خیانتی صورت نمی‌گیرد.

می‌داند که با اجرای حکم الهی پاک می‌شود و دیگر کسی به او با دید یک گنه‌کار نمی‌بیند و او را با القاب زشت و زننده یاد نمی‌کند.

می‌داند که رسول الله ﷺ او را سرزنش و توبیخ نمی‌کند که چرا زنا کردی؟

می‌داند که کسی پس از اجرای حد الهی دیگر به او طعنه نمی‌زند و رحمة للعالمین ﷺ به هیچ کس اجازه این کار را نمی‌دهد. فردی را به جرم شراب‌نوشی نزد آن حضرت ﷺ آوردند و مجازات کردند؛ برخی گفتند: خداوند تو را رسوا کند! پیامبر ﷺ فرمودند: چنین نگویند و شیطان را علیه او یاری نکنید.

[صحیح البخاری: ۶۷۷۷ + سنن أبی‌داود: ۴۴۷۷]

همچنین از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده که رسول الله ﷺ فرمودند:

«إِذَا زَنَتِ الْأَمَةُ فَتَبَيَّنَ زَنَاهَا فَلْيَجْلِدْهَا وَلَا يُتْرَبْ، ثُمَّ إِنْ زَنَتْ فَلْيَجْلِدْهَا، وَلَا يُتْرَبْ ثُمَّ إِنْ زَنَتِ الثَّالِثَةَ، فَلْيَبْعِهَا وَلَوْ بِحَبْلِ مِنْ شَعْرٍ.»

«هرگاه کنیزی زنا کرد و زنایش ثابت شد، مالکش بر او حد بزند؛ اما سرزنش و توبیخ نکند و اگر دوباره زنا کرد، باز هم او را حد بزند؛ اما سرزنش و توبیخ نکند و اگر در مرتبه سوم زنا کرد، او را بفروشد؛ اگرچه به ریشمانی از مو باشد.»

[صحیح البخاری: ۲۱۵۲]

این‌ها، رفتارها و فرمایش‌های ارزشمند رسول الله ﷺ است که حتی بازناکاران و شراب‌نوشان چگونه کریمانه رفتار می‌کنند و دیگران

را هم از بدرفتاری و تحقیر و توبیخ آن‌ها بازمی‌دارند؛ اما متأسفانه امروزه ما چه کار می‌کنیم؟!

تا با صحنه جرمی مواجه می‌شویم یا حتی اصلاً در صحنه حضور نداریم و تنها چندجمله‌ای از زبان کسی در مورد فردی شنیده‌ایم؛ به محض اینکه با او روبه‌رو می‌شویم، شور ایمانی مان گل می‌کند و انگار که بهترین و پرهیزگارترین فرد روی کره خاکی هستیم؛ شروع می‌کنیم به سخنرانی و تحقیر و توبیخ و سرزنش او که مگر تو مسلمان نیستی؟ خجالت نمی‌کشی؟ از خدا نترسیدی؟ بدبخت! وای بر تو! ان‌شاءالله به قهر خدا گرفتار شوی! خدا لعنتت کند! و... این‌ها در صورتی است که فرد خطاکار، اشتباه اندکی انجام دهد یا گناه کوچکی مرتکب شود؛ اما اگر کسی گناه بزرگی مرتکب شد؛ مثلاً شراب نوشید یا زنا کرد که قیامت برپا می‌شود و حتی بارها اتفاق افتاده که فردی به خاطر نوشیدن شراب یا گناه دیگری، کشته شده یا به بدترین حالت مورد ضرب و شتم قرار گرفته است؛ در حالی که اجرای حدود تنها با امر قاضی و شهادت

گواهان انجام می‌گیرد و بس؛ اما متأسفانه امروزه در جوامع ما، آن قدر قاضی وجود دارد که بدون شاهد و ثبوتی و با ارتکاب گناه کوچکی، هم حکم صادر می‌کنند و هم اجرا می‌نمایند.

یادم هست سال‌ها پیش جایی دعوت بودم؛ وقت نماز فرا رسید و با دوستانم برای ادای نماز به مسجد رفتیم.

پس از نماز سروصدای یک جوان بلند شد که ای پیرمرد! این چه طرز نماز خواندن است؟! نماز تو کاملاً اشتباه است! نخوان نماز نمی‌شود و...

همه نماز گزاران مات و مبهوت این صحنه را مشاهده می‌کردند و آن مرد کهن سال خجالت‌زده و سرافکننده شد و سکوت کرد.

آیا نحوه درست دعوت دین همین است؟

آیا با این طرز برخورد کسی راهنمایی می‌شود؟

آیا این کار جز تنفر و انزجار، ثمره دیگری هم دارد؟

با جرأت می‌توان گفت که آن مرد از دوباره به مسجد آمدن پشیمان شده بود و دیگر روی دیدن به صورت نماز گزاران را نداشت.

آیا در جوامع کنونی، انسان بدبخت‌تر از فرعون و صالح‌تر از موسی و هارون (علیهم‌السلام) سراغ داریم؟

الله متعال وقتی موسی و هارون (علیهم‌السلام) را به سوی فرعون و قومش می‌فرستد، به آن دو این‌گونه دستور می‌دهد:

﴿اٰذْهَبَا۟ اِلٰی فِرْعَوْنَ اِنَّهُ طَغٰی (۴۳) فَقُوۡلَا لَهٗ قَوْلًا لَّیِّنًا لَّعَلَّهٗ یَتَذَكَّرُ اَوْ یَخْشٰی (۴۴)﴾ [طه: ۴۳-۴۴]

«به سوی فرعون بروید که او سرکشی و طغیان کرده است. پس با نرمی با او سخن بگویید (و دعوتش دهید)، شاید پند گیر یا (از خداوند) بترسد (و دست از طغیان بردارد)».

آری! فرعون کسی بود که در روی زمین ادعای خدایی می‌کرد و طغیان، سرکشی و ظلم او حد و مرزی نداشت؛ اما با این وجود باز هم الله متعال دستور می‌دهد که با او به نرمی سخن گفته شود.

پس به بهانه دعوت و گرفتن دست گنه‌کاران و راهنمایی آن‌ها، انسان‌ها را از دین و خدا و مسجد فراری ندهیم و متنفر نسازیم. اگر کسی را در حال ارتکاب گناهی دیدیم، او را سرزنش نکنیم؛

قضاوت ننماییم؛ همواره به رُخش نکشیم؛ در محضر دیگران تحقیرش نکنیم؛ زیرا هیچ انسانی عاری از خطا و لغزش نیست. سعی کنیم گناهش را بپوشانیم و آبرویش را حفظ کنیم و این فرمودهٔ رسول الله ﷺ را به یاد داشته باشیم که می‌فرماید:

«مَنْ سَتَرَ مُسْلِمًا سَتَرَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ».

«هر کس عیب مسلمانی را (در دنیا) بپوشاند، الله متعال عیب‌های او را در آخرت خواهد پوشاند».

[صحیح البخاری: ۲۴۴۲ + صحیح مسلم: ۲۵۸۰]

پس یک لحظه به خودمان رجوع کنیم و خود را در جایگاه او قرار دهیم که اگر ما می‌بودیم، چه انتظاری داشتیم؟

می‌خواستیم با ما چه رفتار و چه برخوردی صورت گیرد؟ سعی کنیم به جای سرزنش، دستش را بگیریم و کمکش کنیم. شاید علت این اشتباه و گناهش، مشکلات و فشارهای سخت و طاقت‌فرسای زندگی، یا ضعف عزم و اراده‌اش باشد.

در این صورت مطمئناً بیش از سرزنش و توبیخ، نیازمند امداد و یاری است.

به یاد داشته باشیم که هیچ انسانی از مادر خود دزد و معتاد و راهزن به دنیا نیامده است؛ بلکه مشکلات، سختی‌ها و فراز و نشیب‌های زندگی او را به این دام‌ها و چاله‌ها کشانده است.

پس به جای تحقیر، توبیخ و سرزنش، دست خطاکاران را بگیریم و آن‌ها را با نرمی و محبت به راه راست بیاوریم و از عیب‌جویی، طعنه‌زدن و به یادآوری سابقه زشتش پرهیزیم و این هشدار سخت رسول‌الله ﷺ را به یاد داشته باشیم که فرمودند:

«مَنْ عَيَّرَ أَخَاهُ بِذَنْبٍ لَمْ يَمُتْ حَتَّى يَعْمَلَهُ».

«کسی که برادر مسلمانش را به گناهی عیب‌جویی کند (و طعنه زند، تا مرتکب آن (گناه) نشود نمی‌میرد».

[سنن الترمذی: ۲۵۰۵]

یحیی بن جابر رضی الله عنه می‌فرماید:

«مَا عَابَ رَجُلٌ قَطُّ بَعِيْبٍ إِلَّا ابْتَلَاهُ اللهُ بِمِثْلِ ذَلِكَ الْعَيْبِ».

«هیچ مردی از هیچ عیبی عیب‌جویی نکرده، مگر اینکه الله متعال او را به عیبی مانند آن گرفتار کرده است».

[شعب الإیمان، بیهقی: ۶۳۵۴]

مزایای سرزنش

البته سرزنش فواید و مزایای خاصی نیز دارد و بسا اوقات تأثیرات شگرفی برای اصلاح جامعه و افراد به وجود می‌آورد؛ به شرط اینکه حدود، قوانین و چهارچوب‌های آن رعایت گردد و از هرگونه زیاده‌روی و بی‌انصافی پرهیز شود.

سعی شود سرزنش به گونه‌ی عام ذکر شود، نه خاص؛ چنانکه ام‌المؤمنین عایشه رضی الله عنها می‌فرماید:

«كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا بَلَغَهُ عَنِ الرَّجُلِ الشَّيْءَ لَمْ يَقُلْ: مَا بَالُ فُلَانٍ يَقُولُ؟ وَلَكِنْ يَقُولُ: مَا بَالُ أَقْوَامٍ يَقُولُونَ كَذَا وَكَذَا؟».

[سنن ابی‌داود: ۴۷۸۸]

«هرگاه به پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد فردی چیزی می‌رسید، آن حضرت صلی الله علیه و آله نمی‌گفتند: چرا فلانی چنین می‌گوید؟ بلکه می‌فرمودند: چرا برخی مردم چنین و چنان می‌گویند؟».

امام نووی رحمته الله می‌فرماید:

«این نحوه‌ی دعوت رسول‌الله صلی الله علیه و آله بود که آن حضرت صلی الله علیه و آله هرگاه با امر ناپسندی مواجه می‌شدند، به نصیحت می‌پرداختند و انجام‌دهنده‌ی

کار را مشخص نمی‌کردند و این نشانه بزرگی اخلاق والای آن حضرت ﷺ بود.

سخنان آن حضرت ﷺ هم متوجه انجام‌دهنده می‌شد، هم متوجه حاضرین و هم کسانی که به آنان این سخن می‌رسید و (این کار) باعث سرزنش (و تحقیر و توبیخ) انجام‌دهنده کار نیز نمی‌شد.

[شرح النووی علی صحیح مسلم: ۹/ ۱۷۶]

از تحقیر، تمسخر و عیب‌جویی گنه‌کار پرهیز شود و از کار گرفتن کلمات و جملات زشت و ناپسند اجتناب صورت گیرد. سعی شود بیشتر قباحت و زشتی گناه بیان شود، نه حقارت و پستی انجام‌دهنده آن.

از تکفیر، تفسیق و نسبت‌دادن القاب و عناوین قبیح و رکیک جداً خودداری شود.

وصلی الله تعالی علی خیر خلقه محمد وآله وصحبه أجمعین



از همین نویسنده:

- ۱- آیا از عبادت کردن خسته می شوید؟
- ۲- اسلام به ذات خود ندارد عیبی...!
- ۳- بی رحمی بزرگ
- ۴- چرا نمی پرسیم؟
- ۵- چگونه حمله های شیطان را دفع کنیم؟
- ۶- خودکشی نوین
- ۷- روزهای مبارک
- ۸- ز گهواره تا گور استادتم
- ۹- سراب خوشبختی
- ۱۰- طلاق شوخی بردار نیست
- ۱۱- گفتمان (بزرگ ترین راه حل)
- ۱۲- لعنت (تکیه کلام منفور)
- ۱۳- ما کجا و آن ها کجا؟
- ۱۴- ماه رجب (ویژگی ها و بدعت ها)
- ۱۵- ماه شعبان (فرصتی دیگر)
- ۱۶- نجات از اضطراب امتحان